

مطالعه رابطه جهانی‌شدن فرهنگی با فردگرایی و جمع‌گرایی جوانان

مورد مطالعه: شهر شیراز

بیژن خواجه‌نوری، استادیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز*

لیلا پرنیان، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه شیراز

مازیار جعفری، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه لاول کانادا

چکیده

این مطالعه به بررسی ارتباط جهانی‌شدن فرهنگی (با تأکید بر سبک زندگی) و گرایش فردگرایی و جمع‌گرایی جوانان شهر شیراز پرداخته است. پس از مرور مطالعات انجام شده و نظریه‌های موجود در رابطه با متغیرهای مستقل و وابسته، چارچوب نظری ترکیبی با توجه به نظریه گیدنز و نظریه فردگرایی - جمع‌گرایی تریان‌دیس تدوین شد. روش این تحقیق پیمایشی و ابزار پرسشنامه بود. در همین راستا، تعداد ۵۳۳ نفر از جوانان با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی سهمیه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. یافته‌های مستخرج از چهار مدل رگرسیون چند متغیره نیز نشان داد که متغیرهای: سبک زندگی فراغتی - مدرن و سبک زندگی مجازی ۵۸ درصد از تغییرات متغیر فردگرایی عمودی و متغیرهای: سبک زندگی فراغتی - مدرن و سبک زندگی فرهنگی - اجتماعی بر روی هم ۱۵/۸ درصد از تغییرات متغیر فردگرایی افقی را تبیین کردند. برای متغیر جمع‌گرایی افقی نیز دو متغیر: سبک زندگی معطوف به مدیریت بدن (بعد ظاهر) و سبک زندگی فراغتی - سنتی وارد معادله شده و ۲/۵ درصد از تغییرات فردگرایی افقی را تبیین کردند. دو متغیر سبک زندگی مذهبی - سنتی و سبک زندگی مجازی نیز به میزان ۴۴/۳ درصد متغیر جمع‌گرایی عمودی کل را تبیین کردند.

واژه‌های کلیدی: جهانی‌شدن فرهنگی، سبک زندگی، فردگرایی، جمع‌گرایی، بازان‌دیشی، شیراز

مقدمه و طرح مسأله

امروزه فرایند جهانی شدن^۱ جهان معاصر را با چالش مواجه ساخته است. به تعبیر واترز و رابرتسون، جهانی شدن موجب زلزله‌ای در جغرافیای سیاسی شده است که تمامی ساختارهای کلان فرهنگی و اجتماعی و همچنین معادلات قدرت در جهان را تحت شعاع خود قرار داده است. از جمله پیامدهای ژرف جهانی شدن، می‌توان به تأثیرات آن بر ساحت فرهنگ اشاره نمود (نویخت، ۱۳۸۶: ۸). در حقیقت، جنبه کاملاً بنیادی‌تر جهانی شدن را که در پشت هر یک از بعدها نهادی شده آن قرار دارد، می‌توان جهانی شدن فرهنگی^۲ نامید (ترنر، ۱۳۸۰: ۳۶). به عبارت دیگر، بافت یکپارچه شدن - شبکه‌ای شدن - راه و رسم‌ها و تجربه‌های فرهنگی در سراسر جهان را می‌توان به طور بسیار کلی «فرهنگ جهانی» قلمداد کرد (تاملینسون، ۱۳۸۱: ۱۰۴).

جهانی شدن در حوزه فرهنگ به اشاعه مؤلفه‌های فرهنگ لیبرالیسم و پیشرفت در حوزه فناوری اطلاعات و به ویژه عمومیت استفاده از وسایل ارتباط جمعی و تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی نوین^۳ اشاره دارد. این فناوری‌ها یکی از عناصر ضروری بازانندیشی مدرنیت و گسست‌هایی‌اند که پدیده مدرن را از پدیده سنتی جدا ساخته‌اند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۹۲). جهانی شدن فرهنگی، نظام‌های ارزشی، نظام‌های معنایی و شیوه‌ها و سبک‌های زندگی^۴ جوامع را دگرگون کرده است.

در عصر حاضر، سبک زندگی به موضع انتخاب شخصی تبدیل شده است؛ بدین معنا که مردم می‌توانند

کاری را انجام دهند که می‌خواهند و می‌توانند چیزی بشوند که می‌خواهند بشوند، رویه‌ای که حاکی از «فردی شدن» است. به عبارت دیگر، امروزه مردم بر مبنای علایق و منافع فردی دست به کنش می‌زنند (گیبیز و ریمر، ۱۳۸۴: ۱۱۰). بنابر این، جهانی شدن، به ویژه در بُعد اجتماعی (و سبک زندگی به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های جهانی شدن) عامل مهمی در تغییر نگرش‌های جمع‌گرایانه - فردگرایانه^۵ است؛ امری که در بلند مدت نظام‌های ارزشی و باورهای افراد را که هویت سنتی آنها را تعریف می‌کند، از کارکرد خود ساقط و منسوخ می‌کند (کوته^۶، ۲۰۰۶: ۳۱ و آبالا^۷، ۲۰۰۵: ۱۰).

فردگرایی^۷ مفهومی مدرن است که در مقابل جمع‌گرایی جامعه سنتی قرار می‌گیرد. جامعه جمع‌گرا بر هم نوایی فرد با گروه تأکید می‌کند و رفتار مورد انتظار از فرد را انعکاس هنجارهای گروه می‌داند. در مقابل، جامعه فردگرا عدم هم‌نوایی با جمع را ارزش تلقی می‌کند و بر شکوفایی فردی و بازانندیشی در سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی تأکید می‌کند (احمدی، ۱۳۸۷: ۹۳ - ۹۸).

در جوامع فردگرا "من" (به جای "ما" در جوامع جمع‌گرا) هدایت‌کننده رفتار افراد است (سیواداس و همکاران، ۲۰۰۸: ۲۰۱). این در حالی است که اساس هر نظم اجتماعی را عاطفه و تعهد به اهداف جمع تشکیل می‌دهد که این امر ریشه در وابستگی و ارتباط عاطفی با جمع دارد، اما پدیده‌ای مانند فردگرایی و بی‌تفاوتی اجتماعی بیانگر بی‌احساسی، بدبینی و بی‌میلی است؛ همان‌طور که در نقطه مقابل آن، جمع‌گرایی بیانگر اعتنای اجتماعی و نوع دوستی در حیات فردی و اجتماعی و

¹ Globalization

² Cultural globalization

³ The new communication and information technologie (ICT)

⁴ Lifestyle

⁵ Collectivism-individualism

⁶ Abela

⁷ Côté.

گرایش دارند (اعظم آزاده و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۰۳). به نقل از: هافستد، ۱۹۹۴، میزایی: ۱۳۸۵ و ۱۳۸۴، نوروزی، ۱۳۸۵ و قاضی‌مرادی، ۱۳۷۸).

از آنجا که جوانان، از پذیرندگی فرهنگی بالایی نسبت به سایر اقشار جامعه برخوردارند و در مقایسه با گروه‌ها و قشرهای دیگر، روابط اجتماعی گسترده‌تری دارند و با مظاهر و وسایل تجدد و نوسازی، جهانی شدن و همچنین اندیشه‌ها و هویت‌های جدید، آشنایی و برخورد بیشتری می‌یابند، بیش از دیگران در معرض تغییرات قرار می‌گیرند. بنابراین، با توجه به ترکیب بالای جمعیت جوان کشور، که حدود ۶۰ درصد جامعه ما را جوانان تشکیل می‌دهند، (کلانتری و حسنی، ۱۳۸۷: ۱۲۰) و کارکرد غیرقابل انکار سیاسی و اجتماعی جوانان در روند تحولات عمومی (پابنده و جعفرزاده پور، ۱۳۸۹: ۱۰۱) مطالعه پیرامون مسائل اجتماعی جوانان بسیار ضروری به نظر می‌رسد. همچنین، با توجه به اینکه دوره جوانی، دوره تولید و بازتولید هویت در میان جوانان است و در این میان، مقاومت در مقابل فرهنگ کلی جامعه و خانواده بیشتر نمود دارد و آنها بیشتر در تلاش‌اند تا هویتشان را بدون اتکا به بزرگترها بسازند، گرایش‌های فرگرایانه در آنها بیشتر نمود پیدا می‌کند.

شهر شیراز به عنوان یکی از کلانشهرهای کشور، که در معرض جهانی شدن و تغییرات حاصل از مدرنیته و در مواجهه با رسانه‌هایی چون ماهواره و دیگر رسانه‌ها بوده است (خواجه‌نوری، ۱۳۸۵)، دستخوش دگرگونی‌های ارزشی و رفتاری شده است. لذا مطالعه تأثیرات جهانی شدن فرهنگی در بین جوانان این شهر قابل تأمل است و این پرسش اساسی در اینجا مطرح می‌شود که آیا جهانی شدن فرهنگی موجب رشد فردگرایی در بین جوانان شهر شیراز شده است؟ آیا بین انواع مختلف

همچنین نشانه پویایی و سلامت اجتماعی است (محسنی تبریزی و صدیقی فرد، ۱۳۹۰: ۲). بنابراین، مسأله بودن فردگرایی در جامعه از آنجا ناشی می‌شود که فردگرایی عامل انزوا، خودشیفتگی و خودخواهی است که اساساً محل نظم و توسعه اجتماعی است (رضایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۹). در نتیجه فردگرایی، رابطه‌های اجتماعی بسیار شکننده و ناپایدار شده و این شکنندگی و ناپایداری که خود در نتیجه فاصله گرفتن و دور شدن تدریجی کنشگران (یا اعضای) جامعه از یکدیگر پدید آمده، از میزان همگرایی و اعتماد متقابل میان آنان به شدت می‌کاهد. علاوه بر آن، فروپاشی نهاد خانواده، کاهش میزان همبستگی اجتماعی در شهرها، ناهنجاری‌های رفتاری جوانان و نوجوانان، ناامنی در مدارس و ... نتیجه تبدیل انسان جمع‌گرای جامعه کشاورزی به انسان فردگرای جامعه صنعتی است (اجتهادی، ۱۳۸۶: ۹).

ایران جامعه‌ای است که تحت تأثیر تحولات پُرشتاب فناوری‌های نوین و جهانی شدن قرار گرفته است (خواجه‌نوری، ۱۳۸۵: ۱۲؛ سحابی، ۱۳۸۹: ۱). در جریان این تأثیرگذاری، دگرگونی‌هایی در سبک‌های زندگی مردم ایران در پرتو جهانی شدن فرهنگی اتفاق افتاده است (خواجه‌نوری، ۱۳۸۵؛ خواجه‌نوری و مقدس، ۱۳۸۷؛ خواجه‌نوری، ۱۳۸۹: ۲۷؛ ۲۰۱۰: ۱۱۳). همچنین آمارها و نتایج تحقیقات انجام گرفته در ایران و جهان، روند رو به افزایش فردگرایی و کاهش جمع‌گرایی در ایران را نشان می‌دهد. برای مثال، تحقیق هافستد که در میان ۵۳ کشور جهان صورت گرفته است، رتبه فردگرایی در ایران را ۲۴ و یا به عبارتی کمی بیش از متوسط نشان می‌دهد. همچنین، نتایج تحقیقات داخلی نیز بیانگر آن است که فردگرایی ایرانیان از نوع غیراجتماعی و خودخواهانه بوده و بنابراین بیشتر مردم ایران و به ویژه جوانان به فردگرایی

سبک زندگی در بین جوانان با گرایش‌های فردگرایانه و جمع‌گرایانه آنان ارتباط وجود دارد؟

مروری بر نظریه‌های موجود

برخی از اندیشمندان، همچون کانت و مارکس در قرن نوزدهم به مسأله فرهنگ جهانی پرداختند (هلد و مک‌گرو، ۱۳۸۸: ۲۷۴). با وجود این، بیش از چند دهه از کاربرد واژه "جهانی شدن" نمی‌گذرد (گل محمدی، ۱۳۸۳: ۲۴). اگر چه مفهوم جهانی شدن به طور گسترده‌ای استفاده شده، اما تاکنون تعریفی واحد که مورد پذیرش همگان باشد، ارائه نشده است (بری، ۲۰۰۸). گیدنز جهانی شدن را گسترش مدرنیت می‌داند. به باور او همچنین جهانی شدن نوعی تحول فضا و زمان است که کنش از راه دور را ممکن می‌سازد (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۶: ۷۸-۷۹). رابرتسون در تعریف خود از جهانی شدن هم به جنبه ذهنی و هم به جنبه عینی آن توجه می‌کند: جهانی شدن مفهومی معطوف به فشردگی، همگونی، درهم تنیدگی و وابستگی متقابل در سطح جهانی و افزایش آگاهی از آن مانند یک کل است (رابرتسون، ۱۳۸۲: ۳۵).

بسیاری از نظریه‌پردازان در حوزه مدرنیت بر این باورند که استقلال فرد یکی از نقاط کانونی مدرنیت و جهانی شدن است (دوبلائر، ۱۹۹۹: ۲۲۹؛ هورواس، ۱۹۹۸: ۱۳۷). باومن ضمن اشاره به تأثیر جهانی شدن بر سبک زندگی، تأثیر سبک زندگی بر فردگرایی و جدایی از مکان را نشان می‌دهد. باومن به نقل از مانوئل کاستلز بیان می‌کند که دوگانگی روزافزونی با توجه به وسایل ارتباطی میان شیوه زندگی افراد در حال شکل‌گیری است. وی در ادامه اشاره می‌کند که ارتباطات عملاً دنیایی جدیدی به روی افراد گشوده‌اند که می‌تواند جایگزینی برای کیفیت زندگی محلی باشد و می‌تواند

گونه‌ای فردگرایی تعبیر شود: "باززترین خصیصه این ارتباطات مشترک، فاصله گرفتن افراد از شهر و محل زندگی شان و انزوای آنهاست" (باومن، ۲۰۰۷: ۷۴). الیوت و لمرت با توجه به نظریه‌های "فردگرایی ساختگی"^۱ بیان می‌کنند که جهانی شدن درک ما را از فردگرایی مان و خودمان دوباره شکل می‌بخشد (الیوت و لمرت، ۲۰۰۶: ۶۴).

هریوت و اسکات - جکسون^۲ بر این باورند که جهانی شدن و توسعه‌های مرتبط با آن، انگیزه برای فردگرایی را تشدید می‌کند و فردگرایی در زندگی اجتماعی نمایان است (هریوت و اسکات - جکسون، ۲۰۰۲: ۲۴۹). بک و گرنشایم بیان می‌کنند که برخلاف برخی از فرضیه‌ها، سنت در زندگی اجتماعی مدرن کم رنگ نشده است و تنها ویژگی انتخابی به خود گرفته است؛ به این معنا که افراد لزوماً دیگر از همان سنت‌هایی که جامعه محل زندگیشان برایشان تعیین کرده است، پیروی نمی‌کنند. آنها از تناقض "فردگرایی نهادینه شده" نام می‌برند که جامعه‌ای است که از یک سو بر منافع فردی تکیه دارد و از سوی دیگر قوانین سازمان‌دهنده زندگی اجتماعی را اجرا می‌کنند (بک و بک گرنشایم، ۲۰۰۲: ۲۲-۲۹). بک همچنین بحث می‌کند که امروزه مردم باید به طور مستمر و مبتکرانه عهده‌دار ساختن و طراحی "خود" شوند تا از هویت تکه تکه شده‌شان دوری کنند (همان: ۶۷).

در ابتدای قرن بیستم، اندیشمندان فردگرایی را به دو جنبه فردگرایی اجتماعی و حس فردگرایانه تقسیم می‌کردند. فردگرایی اجتماعی بیشتر در آرای اقتصاددانان و اندیشمندان سیاسی مطرح می‌شد که در نظریه‌های خود گرایش به ارجحیت فرد و منطقه‌گرایی داشتند، اما حس فردگرایانه نشانه انزوای اجتماعی فرد بوده است. به باور

^۱ Manipulated

^۲ Herriot & Scott-Jackson

فردگرایی وجود دارد (کیویستو، ۱۳۸۰: ۱۲۴-۱۲۷). در اندیشه وبر نیز شهر از دوران قرون وسطی به بعد، مرکز توسعه فردگرایی است. از نظر وبر فردگرایی از بسیاری جهات با تخصصی شدن محیط شهری گسترش می‌یابد و در واقع، فردگرایی خصلت ویژه شهر است (کوزر، ۱۳۷۹).

زیمل معتقد است که ژرفترین مسائل زندگی مدرن از تلاش فرد برای حفظ استقلال و فردیت در مقابل قدرت‌های حاکم جامعه و در مقابل سنگینی میراث تاریخی و فرهنگ بیرونی و تکنیک زندگی ناشی می‌شود. به نظر وی اگرچه دنیای مدرن به آزادی فرد از اسارت منجر شده، اما خود محدودیت‌هایی را برای فرد ایجاد کرده است؛ به گونه‌ای که افراد برای حفظ آزادی در سبک زندگی خود، به پدیده‌هایی چون مد و ... پناه می‌برند تا به واسطه آن به آرامش درونی و روانی رسیده، هویت خود را بازیابند. به عبارت دیگر در شهرهای بزرگ، شخص مصرف می‌کند تا هویتی را که دوست دارد برای خود بسازد. از نظر زیمل، پول با جدا کردن درگیری‌های عاطفی از معاملات اقتصادی، افزایش تعداد شرکای داد و ستد را امکان‌پذیر می‌سازد؛ آزادی فرد را با گسستن پیوندهای فراگیر نسبت به گروه نخستین (مثلاً خانواده یا قبیله) افزایش می‌دهد و بدین‌سان، جهان‌نگری فردگرایانه را ارتقا می‌بخشد. وی نیز همانند وبر از تهدیدی که فرهنگ مدرن، با تأکید بر عقلانیت ابزاری، متوجه استقلال فرد می‌کند، ابزار نگرانی می‌کند (کیویستو، ۱۳۸۰: ۱۷۳-۱۷۷).

دورکیم نیز از دیگر نظریه‌پردازانی است که در خصوص فردگرایی و جمع‌گرایی نظریه‌پردازی نموده است. از نظر وی، تفاوت در کارکردهای اعضای هر جامعه تفاوت‌های فردی را به وجود می‌آورد و بدین‌سان انگیزه فردگرایی می‌شود. به نظر او فردگرایی محصول

پالانت، حس فردگرایی تمایلی برای متفاوت بودن و متمایز بودن است (جرج پالانت، ۱۹۰۸: ۲۲).

براساس آثار برخی از متفکران، می‌توان فردگرایی را به دو بخش روش‌شناسانه و هستی‌شناسانه تقسیم کرد (لوران^۱، ۱۹۹۴: ۲۴؛ پالانت^۲، ۱۹۰۸: ۲۲). به باور پوپر، فردگرایی روش‌شناختی نظریه‌ای است که براساس آن باید پدیده‌های جمعی را به کنش‌ها، هدف‌ها، روحیات و اندیشه‌های افراد و سنت‌های آفریده شده افراد تقلیل داد. همچنین، بودن^۳ فردگرایی روش‌شناختی را در نظر گرفتن پدیده‌های جمعی به عنوان محصول کنش فردی و تفسیر کنش فردی به عنوان کنشی عقلانی می‌داند (لوران، ۱۹۹۴: ۲۳ و ۲۴). فردگرایی به این معنی در برابر کل‌گرایی است، اما فردگرایی هستی‌شناختی معطوف به بررسی جهت‌گیری‌های رفتاری افراد جامعه است که در جامعه‌شناسی کاربرد دارد و در مقابل جمع‌گرایی بررسی می‌شود.

واژه فردگرایی را برای نخستین بار دوتوکویل^۴ در قرن نوزدهم برای توصیف حسی کناره‌گیری اجتماعی در جامعه آمریکا به کار برد (الیوت و لمرت، ۲۰۰۶: ۳). تونیس معتقد است که با پیوندهای نیرومند خویشاوندی و سنت مشخص می‌شود به تدریج ناپدید می‌شود و گزلفاشفت جایگزین آن می‌شود که با پیوندهای ضعیف‌تر روابطی مشخص می‌گردد که تا اندازه زیادی بر پایه سودجویی شخصی به وجود آمده است. براساس نظریه تونیس، در حالی که در جامعه گماینشافت کنش‌ها بر پایه عادت، سنت و پیوندهای عاطفی استوار است، در جامعه گزلفاشافت کنش‌ها بر پایه عقلانیت هدفمند استوار بوده،

¹ Laurent

² Palante

³ Boudon

⁴ De Tocqueville

هویت‌های جدید اذعان داشته‌اند (کوته و شوارتز^۵، ۲۰۰۲؛ بولی و الیوت^۶، ۲۰۰۸).

چارچوب نظری

جهانی‌شدن ابعاد مختلفی دارد و این پژوهش درصدد است تأثیر بُعد فرهنگی آن و به ویژه سبک زندگی را بر فردگرایی و جمع‌گرایی تحلیل کند. در این مطالعه از نظریات گیدنز و تریانندیس استفاده شده است. علت انتخاب نظریه گیدنز و تریانندیس به عنوان چارچوب نظری تحقیق این است که از کفایت نظری بیشتری در تحلیل پدیده سبک زندگی و فردگرایی - جمع‌گرایی در تحقیق برخوردار هستند.

فردگرایی در ارتباط با کنار رفتن سنت‌ها و رسوم از زندگی افراد است. این پدیده نیز با فرآیند جهانی‌شدن در مفهوم گسترده آن در ارتباط است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۳). دگرگونی در مؤلفه‌های فرهنگی و سبک زندگی جوامع بر اثر تماس‌های مستقیم و یا با واسطه فرهنگ‌های مختلف، در جریان جهانی‌شدن فرهنگی رخ می‌دهد. جهانی‌شدن فرهنگی، جنبه‌ای بنیادی در پس هر یک از بعدها گوناگون نهادی جهانی‌شدن است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۶۲). جهانی‌شدن در بُعد فرهنگی، واجد دگرگونی‌هایی مهم در زندگی نوع بشر بوده است، اما آنچه بیشتر جوامع (به ویژه کشورهای در حال توسعه) را تحت تأثیر خود قرار داده، فرآیند فرهنگ‌پذیری است. این فرآیند انتقال فرهنگ و تغییر آن، توسط رسانه‌ها انجام می‌شود. رسانه‌ها کارگزاران اصلی جهانی‌شدن هستند و نقشی عمده در تکمیل و جداسازی زمان و مکان ایفا می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۷). ارتباطات همگانی

جامعه است؛ نتیجه ویژگی‌های معین جوامع صنعتی مدرن که در نهایت از رشد تقسیم کار ناشی می‌شود (همان: ۱۲۹-۱۴۵). اما ذکر این نکته مهم است که در حقیقت دورکیم به "فردگرایی اخلاقی" اشاره می‌کند. در این فردگرایی که بر پایه احساس همدردی، و آرزوی برابری و عدالت بنیاد نهاده شده است، فرد در پیوند با نظام اجتماعی، در قبال افراد دیگر جامعه و اخلاق مدنی مسؤول است. دورکیم با بررسی مسأله خودکشی، خطرهای فردگرایی معاصر را نیز مطالعه کرده است (وثوقی و میرزایی، ۱۳۸۷: ۱۲۸).

در آرای گافمن نیز به نظر می‌رسد ماهیت مقدس فرد و شعایر و قواعدی که از آن حفاظت می‌کند، در کانون توجه قرار دارد. در دیدگاه گافمن هدف از نمایش، افزایش دادن منافع «خود» و به حداقل رساندن ضرر است. اصل مفهوم عرضه نمایش خود، حفظ تصویر مثبت و متقاعدکننده از خود است. وی همچنین مفهوم "مدیریت تأثیرگذاری" را برای حفاظت از خود مطرح می‌کند (ارمکی و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۶۱).

تیلمن^۱ معتقد است که فردگرایی در عصر جدید موجب فرایندهای جدیدی از توسعه هویت می‌شود. این فرایندها با فرایندهای پیشین تدوین هویت متفاوتند. به نظر وی این فرایندها به لحاظ فلسفی و الهیاتی کمتر بر ایمان متمرکزند. آنها بیشتر با انواع بیانات^۲ مرتبط‌اند و بیشتر بر عمل^۳، رمزهای رفتاری^۴ و دیگر موضوعات مرتبط معطوف هستند (تیلمن، ۲۰۰۵: ۲۱). دیگران نیز بر نقش جهانی‌شدن در فرایند فردگرایی و کاهش‌گرایی‌های جمع‌گرایانه و در نتیجه شکل‌گیری

¹ Tieleman

² Statements

³ Acting

⁴ Codes of conduct

⁵ Côté & Schwartz

⁶ Boli & Elliott

در نظر آورده و درباره خودمان بازنمایشی کنیم (کراسلی^۱، ۲۰۰۵:۲). سبک‌های متفاوت زندگی، رفتارهای افراد را تغییر داده و افراد پیوسته بر اثر آن از "خود" تعریفی مجدد ارائه می‌کنند و حتی آن را تغییر می‌دهند. این سبک‌های جدید که مولود دوران مدرن هستند و به وسیله رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی در سرتاسر جهان تبلیغ می‌شوند، اغلب با سبک‌های سنتی زندگی که دارای جهت‌گیری جمع‌گرایانه بودند، به چالش برمی‌خیزند. در جوامع مسلمان نیز این چالش‌ها با شدت بیشتری دنبال می‌شوند، زیرا از یک سو دارای فرهنگ اسلامی هستند که آداب ویژه‌ای چون: صلح‌رحم، جمع‌گرایی، تعاملات گسترده اجتماعی، کمک به هم‌نوع و ... را خواستار است و از سوی دیگر، فرهنگ اسلامی - ایرانی آنها نیز اغلب با سبک‌های جدید زندگی که از طریق ماهواره‌ها و رسانه‌های جمعی تبلیغ می‌شوند، مغایر است.

در جامعه مدرن، بازنمایشی و انتخاب، به بازتابندگی سبک زندگی و ارزش‌ها منجر می‌شوند و از این طریق جمع‌گرایی و فردگرایی نیز از جمله ارزش‌هایی است که مورد بازنمایشی قرار می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۸ - ۱۳۷۷: ۴۴-۴۷). علاوه بر متغیر بازنمایشی، «انتخاب» یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم و مؤثر در فردگرایی است که به علت عدم باورهای تضمین شده، زندگی را از مجاری از پیش تعیین شده منحرف می‌سازد؛ بدین صورت که تجدد، در هر کدام از شیوه‌های زندگی در جامعه مدرن، انواعی از امکانات را در اختیار افراد قرار می‌دهد که این افراد می‌توانند از میان آنها به انتخاب بپردازند. برای مثال، فرد می‌تواند اوقات فراغت خود را با اعضای خانواده به تفرجگاه‌ها و یا مهمانی برود و یا به تنهایی؛ با تماشای فیلم و گوش دادن به موسیقی بپردازد. البته، شایان ذکر

تأثیر فراگیری بر تجربه ما دارند. این امر تنها به این علت نیست که آنها بر نگرش‌های ما به شیوه‌های خاصی تأثیر می‌گذارند، بلکه از آن روست که آنها وسیله دسترسی به اطلاعاتی هستند که بسیاری فعالیت‌های اجتماعی به آن بستگی دارد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۴۸۳).

یکپارچگی جهانی، پدیده‌ای بیرونی و مربوط به نظام‌های بزرگ، میدان‌های بازار جهانی یا صرفاً روندی تأثیرگذار بر ملت‌ها نیست، بلکه پدیده‌ای ذاتی نیز هست. سبک زندگی، شخصیت، هویت و روابط با مردم دیگر هم با روند یکپارچگی تغییر شکل می‌دهند و حالت جدید می‌گیرند، چون یکپارچگی جهانی، فرهنگ محلی و محتوای زندگی محلی را مورد تهاجم قرار می‌دهد و ما را مجبور می‌کند تا به صورتی بازتر، انعطاف‌پذیرتر و فردی‌تر زندگی کنیم (گیدنز، ۱۳۷۹: ۳۶). به بیان دیگر، فرآیند جهانی شدن فرهنگی که در سطح کلان قرار دارد، از طریق متغیرهایی چون: سبک زندگی که در سطح میانی قرار دارد، بر روی هویت و رفتارهای فرد اثر می‌گذارد و آن را تغییر می‌دهد (خواججه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۱). در حقیقت، از طریق این فرآیند، سبک زندگی باعث شکل دادن به حوزه فردی و عمومی اعضای جامعه می‌شود و تمامی عرصه‌های حیات فکری و زندگی مادی فرد را در دو حوزه خصوصی و اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نتیجه سبک زندگی در دنیای معاصر اهمیت زیادی پیدا کرده است و سنت نیز بیش از پیش معنای خود را از دست داده است و زندگی روزانه افراد بیشتر تحت تأثیر دیالکتیک امر محلی و امر جهانی شکل می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۲۹).

ظرفیت اجتماعی ایجاد شده برای بازنمایشی به ما اجازه می‌دهد که به عقب برگردیم و خودمان را دوباره

¹ Crossley

است در فرهنگ‌های پیشامدرن هم شاهد وجود انتخاب‌هایی برای افراد هستیم، اما گزینه‌های گوناگون به هم شباهت دارند و دامنه و تعداد آنها چنان محدود است که سبب می‌شود تنها سبک مشخصی برای زندگی در هر فرهنگی تعریف شده باشد و همه افراد متعلق به فرهنگ‌های یکسان به سبک زندگی تقریباً مشابهی زندگی کنند. در اینجا نکته مهم، تطابق همه افراد با ارزش‌های همسان منبعث از فرهنگ واحد است (ارزش‌های جمع و جامعه در این نوع سبک زندگی مهم است) و نه امکان انتخاب‌هایی که گاهی پیدا می‌کنند (نه انتخاب‌ها و سلاقی و خواسته فرد) (گیدنز، ۱۳۸۵: ۴۸۳-۴۸۶).

در مجموع می‌توان گفت، هنگامی که انتخاب سبک زندگی بر اساس آگاهی، برنامه‌ریزی و انتخاب فردی باشد، و از طرف دیگر این امکان مهیا باشد که افراد از میان سبک‌های مختلف زندگی هر سبکی را که مایل باشند انتخاب کنند، همه این عوامل موجب می‌شود که افراد دارای تجربیات منحصر به فرد و متمایز از دیگران باشند. این عامل نیز موجب می‌شود که افراد به ادراک احساس آزادی فردی رسیده و در نهایت این احساس آزادی و استقلال پیش شرط فردگرایی است (بهروان و علیزاده، ۱۳۸۶: ۹).

از طرف دیگر، تفاوت‌های فردی که در نتیجه گزینش سبک‌های متفاوت زندگی در افراد به وجود می‌آید، عامل مهمی در رشد انگیزه فردگرایی در افراد می‌شود. به عبارت دیگر، پیوندهای همبستگی‌ای که در جوامع سنتی و در همه اعضای گروه استوار بود، در جامعه صنعتی جای خود را به نیروهای جدید قدرتمندی می‌دهد که با پیچیدگی و تمایز زیاد ارتباط دارد و با میزان فزاینده‌ای از استقلال فردی مشخص می‌شود. جوانان به عنوان گروه

اصلی مصرف‌کننده سبک‌های جدید و مدرن؛ در زمینه‌های مختلف: تغذیه، ورزش، مدیریت بدن، گذراندن اوقات فراغت، مصرف رسانه‌های مختلف، مشارکت‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و ... تلاش‌های آگاهانه یا ناآگاهانه‌ای را برای استقلال، ایجاد تمایز بین خود و دیگران انجام می‌دهند. در جریان این فرآیند، جوانان، عناصر فرهنگی سایر جوامع را با فرهنگ بومی خود تلفیق می‌کنند، اما به موازات آن که عناصر بیشتری را از سایر فرهنگ‌ها و از جمله فرهنگ غرب اخذ کردند، هویت آنها بیشتر به فرهنگ‌های دیگر و به ویژه فرهنگ غربی (که در آن فردگرایی تشویق می‌شود) سوق می‌یابد. بنابراین، به موازات غربی شدن و مدرن شدن هر چه بیشتر سبک زندگی، افراد فردگراتر می‌شوند. این عناصر فردگرایی که در شیوه و سبک زندگی افراد وجود دارد، برای مشاهده‌گر خارجی روشن و قابل خواندن است و لازم است رمزگشایی شود.

آنچه تاکنون از آن سخن رفت، بیان نظری ارتباط بین جهانی شدن فرهنگی و گرایش‌های فردگرایانه و جمع‌گرایانه بود، اما در این پژوهش به منظور فضاسازی معنایی هر چه بهتر متغیر وابسته تحقیق و تأمین معرف تجربی برای آن از نظریه تریاندیس به عنوان چارچوب نظری استفاده می‌شود. در نظریه تریاندیس از یک سو فردگرایی و جمع‌گرایی هم مفهومی تجربی هستند، و هم به آراء گیدنز نزدیکند.

تریاندیس بخش اصلی فعالیت‌های پژوهشی خود را بر مطالعه فرهنگ فردگرا و جمع‌گرا متمرکز ساخته است. وی با شناسایی ویژگی‌های این دو فرهنگ درصدد ساختن مقیاسی استاندارد برای اندازه‌گیری خصوصیات فرهنگ‌های فردگرا و جمع‌گراست. از نگاه وی، ما جهان را کمتر آن گونه که هست و بیشتر آن گونه که هستیم،

عمودی تشخیص پایگاهی مد نظر است و این کار از طریق رقابت با دیگران انجام می‌شود. این نوع از فردگرایان به مقایسه خود با دیگران اهمیت زیادی می‌دهند و تلاش می‌کنند از دیگران متمایز، بهتر و برتر باشند (مانند بسیاری از کشورهای غربی و طبقات متوسط و بالای ایالات متحده آمریکا) (تریانندیس و همکاران، ۱۹۹۸؛ تریانندیس، ۲۰۰۱).

تریانندیس بر عوامل چهارگانه به هم مرتبط که به عنوان جنبه‌هایی که معرف فردگرایی هستند، تأکید می‌کند که عبارتند از: خوداتکایی، رقابت، لذت‌گرایی و فاصله عاطفی از درون گروه، در حالی که محتوای جمع‌گرایی: یکپارچگی خانوادگی، اجتماع‌پذیری و وابستگی متقابل است (تریانندیس و همکاران، ۱۹۹۰: ۱۰۳-۱۰۱).

جمع‌گرایی با اهمیت اهداف گروه برای فرد و تبعیت از هنجارها، فرمانبرداری، پذیرش اقتدار و مشارکت تعریف می‌شود. در حالت افقی آن بر برابری در روابط؛ یعنی مشارکت‌پذیری، خیرخواهی، حس تعلق به جمع (رابطه عاطفی) تکیه شده است. این نوع از جمع‌گرایان کسانی هستند که می‌کوشند با گروه یکی شوند و در آن فرو روند، اما نمی‌خواهند فرمانبردار یا مطیع باشند (وابستگی دوجانبه). در شکل عمودی جمع‌گرایی، روابط سلسله مراتبی یا اطاعت از گروه و ایثار (بخشنده بودن) مد نظر است (اعظم‌زاده و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۱۰). این جمع‌گرایان، مطیع و تسلیم هنجارهای درون گروهی‌اند و می‌خواهند خود را برای گروه قربانی کنند و به آن خدمت کنند (تریانندیس، ۱۳۷۸). اگرچه اندیشمندان تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز از فردگرایی و جمع‌گرایی ارائه کرده‌اند (تریانندیس، ۱۹۹۵)، اما به نظر می‌رسد که تقسیم‌بندی تریانندیس از جامعیت بیشتری برخوردار است و از این رو، در این پژوهش از آن استفاده می‌کنیم.

می‌بینیم (تریانندیس، ۱۳۷۸: ۴۴). این امر نشان‌دهنده تأثیر فرهنگ بر جهت‌گیری‌های شخصی است. در واقع، فرهنگ بر شکل‌گیری شخصیت افراد تأثیرگذار است (تریانندیس، ۲۰۰۱). در گرایش‌های فردگرایانه تعریف از خود غیر وابسته، و به صورت یک هستی جداگانه ظاهر شده و در روابط بر عقلانیت تأکید می‌شود. در این حالت، افراد اختلالات شناختی زیادی را تجربه کرده و در تعیین رفتار بیشتر بر گرایش‌های فردی تا هنجارهای موجود تکیه می‌کنند. فردگرایی به استقلال رأی و تکیه بر عقلانیت اشاره دارد. این در حالی است که جمع‌گرایی با اهمیت اهداف گروه برای فرد و تبعیت از هنجارها، فرمانبرداری، پذیرش اقتدار و مشارکت تعریف می‌شود. در گرایش جمع‌گرایی، تعریف از خود پیوسته با دیگران است، پیروی از هنجارهای درون گروه برای فرد اهمیت دارد، افراد اختلالات شناختی کمی را تجربه می‌کنند و برای آنها اطاعت، وظیفه‌شناسی و هماهنگی با گروه در اولویت قرار می‌گیرد.

تریانندیس مفاهیم افقی و عمودی را به جمع‌گرایی و فردگرایی می‌افزاید. در هر دو حالت، افقی نشان‌دهنده وضعیتی است که در آن بر برابری تأکید می‌شود و عمودی سلسله مراتب در روابط را نشان می‌دهد (تریانندیس، ۱۹۹۵ و ۱۹۹۸). براین اساس، کسانی که در تقسیم‌بندی افقی جای دارند، در مقایسه با کسانی که در تقسیم‌بندی عمودی هستند (مانند جامعه روستایی هندوستان و کاست‌ها)، به سلسله مراتب اهمیت زیادی نمی‌دهند. در فردگرایی افقی شخص می‌خواهد منحصر به فرد و متمایز از دیگران باشد، اما علاقه‌ای به برجسته شدن ندارد. فردگرایان افقی کار مستقل خود را انجام می‌دهند، اما لازم نمی‌دانند خود را با دیگران مقایسه کنند (مانند جامعه سوئد و استرالیا). برعکس، در فردگرایی

خطای ۴ درصد برابر با ۵۳۳ نفر برآورد گردید. روش نمونه‌گیری مورد استفاده در این پیمایش، تصادفی سهمیه‌ای چند مرحله‌ای است؛ بدین ترتیب که ابتدا جمعیت مناطق نه‌گانه شهر شیراز بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ به تفکیک استخراج، سپس متناسب با جمعیت هر منطقه و نسبت آن با جمعیت کل، تعداد پرسشنامه مورد نظر برای هر منطقه مشخص شد. سپس در هر منطقه به صورت تصادفی تعدادی بلوک (به تناسب تعداد پرسشنامه آن منطقه) و در درون هر بلوک نیز به صورت تصادفی تعدادی کوچه تعیین شدند. در نهایت در هر کوچه نیز به صورت تصادفی تعدادی خانوار مشخص شد که در هر خانوار، فقط یک جوان (دختر یا پسر) برای پاسخگویی تعیین گردید. برای تعیین اعتبار گویه‌های سبک زندگی و متغیرهای فردگرایی و جمع‌گرایی از دو روش اعتبار صوری و اعتبار سازه استفاده شده است؛ بدین ترتیب که ابتدا پس از بررسی مطالعات و منابع مختلف داخلی و خارجی، برای هر یک از مفاهیم تعدادی گویه مشخص شد و در اختیار اساتید حوزه علوم اجتماعی، قرار گرفت و از آنان خواسته شد تا مناسبترین گویه‌ها را به ترتیب اولویت انتخاب کنند. سپس برای مشخص کردن اعتبار سازه، از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شد. در پرتو تحلیل عاملی گویه‌هایی که دارای بار عاملی پایینی بودند، حذف شدند تا گویه‌های نهایی به دست آمد. جدول ۱ و ۲ نشان دهنده نتایج تحلیل عاملی است.

تعریف مفاهیم

سبک زندگی: سبک زندگی مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردهاست که فرد آنها را به کار می‌گیرد، چون نه تنها نیازهای جاری او را بر می‌آورند، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است،

بنابراین با مرور نظریات گیدنز و تریانندیس در تحقیق حاضر به دنبال بررسی تجربی گزاره‌های زیر خواهیم بود:

فرضیات اصلی تحقیق

۱. بین سبک زندگی فراغتی - مدرن و فردگرایی و جمع‌گرایی جوانان ارتباط معناداری وجود دارد.
۲. بین سبک زندگی مذهبی و فردگرایی و جمع‌گرایی جوانان ارتباط معناداری وجود دارد.
۳. بین سبک زندگی مجازی و فردگرایی و جمع‌گرایی جوانان ارتباط معناداری وجود دارد.
۴. بین سبک زندگی معطوف به مدیریت بدن (بعد تغییر (۱) و فردگرایی و جمع‌گرایی جوانان ارتباط معناداری وجود دارد.
۵. بین سبک زندگی دوستانه و فردگرایی و جمع‌گرایی جوانان ارتباط معناداری وجود دارد.
۶. بین سبک زندگی فرهنگی - اجتماعی و فردگرایی و جمع‌گرایی جوانان ارتباط معناداری وجود دارد.
۷. بین سبک زندگی معطوف به مدیریت بدن (بعد تغییر (۲) و فردگرایی و جمع‌گرایی جوانان ارتباط معناداری وجود دارد.
۸. بین سبک فراغتی - سنتی و فردگرایی و جمع‌گرایی جوانان ارتباط معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

در این تحقیق، از روش کمی و پیمایشی استفاده شده و اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه به دست آمده است. جامعه آماری، کلیه جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله ساکن در شهر شیراز، در سال ۱۳۹۱ هستند. حجم نمونه آماری بر اساس جدول لین^۱، با سطح معناداری ۹۵ درصد و

¹ Lin, N

در برابر دیگران مجسم می‌سازند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۱۹).

اگنیو و پترسون^۱ در مطالعه خود ده نوع فعالیت را از دیگران متمایز ساخته‌اند که از میان آنها می‌توان به فعالیت‌های سازمان‌یافته (مانند: فعالیت‌های مذهبی)، فعالیت‌های اجتماعی (ملاقات دوستان، شرکت در انجمن‌های اجتماعی و فرهنگی)، سرگرمی منفعلانه (گوش دادن به موسیقی، رویدادهای ورزشی) و فعالیت‌های دیگر (حضور در پارک‌ها و پاساژها) اشاره کرد (اگنیو و پترسون، ۱۹۸۷: ۳۳۲). در این مطالعه با توجه به مطالعات پیشین و با توجه به دسته‌بندی اگنیو و پترسون، برای سبک زندگی شاخص‌های مختلفی در نظر گرفته شد که شامل: ۱. سبک‌های فراغتی منفعلانه یا غیر اجتماعی (گوش دادن به موسیقی، جستجوی لباس‌های جدید، پاساژگردی و پرسه‌زنی بی‌هدف در خیابان‌ها و ...); ۲. سبک‌های فراغتی فعالانه یا اجتماعی (شرکت در کلاس‌های آموزشی، با دوستان بودن، شرکت در کلاس‌های آموزش فنی و ...); ۳. سبک‌های مذهبی (حضور در مجالس و مراسم مذهبی، استفاده از برنامه‌های مذهبی رسانه‌ها و ...); ۴. سبک‌های مدیریت بدن و ۵. استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی (چت کردن، استفاده از ایمیل، بلوتوث‌بازی و ...).

فردگرایی: برای تعریف و سنجش فردگرایی و جمع‌گرایی در این پژوهش از نظریه تریاندیس استفاده شده است. موضوع‌های اصلی فردگرایی عبارتند از: خوداتکایی، رقابت، فاصله عاطفی، احساس دوری از گروه، لذت‌طلبی، خلاقیت و پذیرش نافرمانی. فردگرایی به دو نوع افقی و عمودی تقسیم می‌شود: فردگرایی افقی شاخص‌هایی همچون: خودباوری، اعتقاد به توانایی خود، خوداتکایی و انتخاب اهداف شخصی را شامل می‌گردد. فردگرایی عمودی شاخص‌های جاه‌طلبی، خودمحوری

(اولویت قائل شدن به منافع فردی) و رقابت را شامل می‌شود

جمع‌گرایی: موضوع‌های جمع‌گرایی عبارتند از: اهمیت دادن به اهداف گروهی، تبعیت از هنجارها، فرمانبرداری، پذیرش اقتدار و مشارکت. جمع‌گرایی شامل دو نوع افقی و عمودی است. شاخص‌های نوع اول را می‌توان در مشارکت‌پذیری، خیرخواهی و حس تعلق به جمع (رابطه عاطفی) جستجو کرد. شاخص‌های شکل عمودی جمع‌گرایی شامل اطاعت از گروه و ایثار می‌گردد (اعظم‌زاده و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۱۰).

برای سنجش فردگرایی و جمع‌گرایی، با توجه به نظریه تریاندیس، تعدادی گویه انتخاب شدند که بر اساس تکنیک تحلیل عامل، هفت محور مختلف فردگرایی و جمع‌گرایی در پاسخ‌های پاسخگویان مشاهده شد (جدول ۲).

یافته‌های تحقیق

در این بخش، ابتدا به بررسی یافته‌های تحقیق با استفاده از آماره‌های توصیفی می‌پردازیم و سپس با استفاده از تکنیک‌های استنباطی به بررسی فرضیات تحقیق خواهیم پرداخت. بر پایه نتایج تکنیک تحلیل عامل سبک زندگی، هشت عامل به دست آمد که به ترتیب: سبک فراغتی - مدرن، سبک زندگی مذهبی، سبک زندگی مجازی، سبک زندگی دوستانه، سبک زندگی معطوف به مدیریت بدن (بعد تغییر ۱)، سبک زندگی فرهنگی - اجتماعی، سبک زندگی معطوف به مدیریت بدن (بعد تغییر ۲) و نهایتاً سبک زندگی فراغتی - سنتی نامگذاری شدند. بر اساس نتیجه جدول ۱ و با توجه به آماره $K. M. O = 0/909$ و سطح معناداری ($sig = 0/00$)، می‌توان نتیجه گرفت که داده‌ها برای تحلیل عاملی بسیار مناسب بوده و تمامی عناصر به کار رفته برای هر بعد، قدرت تبیین‌کنندگی مورد نظر را برای متغیر وابسته داشته‌اند.

¹ Agnew & Petersen

جدول ۱- نتایج تحلیل عاملی سبک زندگی در بین جوانان شهر شیراز

ابعاد	عامل‌های سبک زندگی							
	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	عامل پنجم	عامل ششم	عامل هفتم	عامل هشتم
سبک زندگی فراغتی - مدرن	۰/۸۸۹	جستجوی لباس‌های جدید در بوتیک‌ها						
	۰/۸۷۴	استفاده از تلفن همراه برای تماس با دیگران						
	۰/۸۶۷	پرسه زدن بی‌هدف در خیابان‌ها						
	۰/۸۵۴	آرایش مو						
	۰/۸۳۰	گوش دادن به برنامه‌های رادیوی خارجی						
	۰/۸۲۸	پیامک (SMS)						
	۰/۸۲۴	حضور در پارک‌ها و تفرجگاه‌ها						
	۰/۸۲۱	مطالعه کتاب‌های رمان						
	۰/۷۹۷	بلوتوث بازی						
	۰/۷۸۱	گشت و گذار در خیابان‌ها، پاساژها، ...						
	۰/۷۷۹	گردش با اتومبیل در خیابان‌های شهر						
	۰/۶۴۷	استفاده از DVD، CD، موسیقی، MP3 player ...						
	۰/۵۶۰	با دوستان بودن						
	۰/۹۱۵	مطالعه کتاب‌های دینی						
	سبک زندگی مذهبی	۰/۹۱۱	حضور در مجالس و مراسم مذهبی					
۰/۹۰۵		شرکت در بسیج و مانند آنها						
۰/۸۹۷		گوش دادن به برنامه‌های مذهبی رادیو و تلویزیون						
۰/۸۶۳		حضور در انجمن‌های داوطلبانه و خیریه						
۰/۸۴۹		مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه (حمایت از بیماران ...)						
۰/۸۳۳		انجام فعالیت‌های مذهبی						
۰/۸۱۳		استفاده از اینترنت برای سرگرمی						
۰/۶۳۱		استفاده از e-mail						
۰/۵۸۱		استفاده از اینترنت برای کسب اطلاعات اجتماعی - فرهنگی						
۰/۵۴۵		استفاده از اینترنت برای کسب اطلاعات در مورد مُد و مانند آن						
سبک زندگی مجازی	۰/۵۴۰	چت کردن						
	۰/۴۸۷	استفاده از اینترنت برای کارهای علمی						
	۰/۴۸۳	استفاده از نرم‌افزارهای رایانه‌ای برای کارهای علمی						
	۰/۴۱۹	استفاده از بازی‌های رایانه‌ای						
	۰/۳۷۷	حضور در کافی‌نت						

	۰/۲۶۴	مشاهده برنامه‌های تلویزیون خارجی (ماهواره)
	۰/۲۶۲	شرکت در کلاس رایانه و یا نرم‌افزارهای رایانه‌ای
سبک زندگی دوستانه	۰/۶۵۶	صرف غذا در فست فودها، کافی شاپ و ...
	۰/۶۲۹	حضور در اماکن تاریخی، فرهنگی و مانند آن
	۰/۵۴۲	شرکت در مهمانی‌های دوستانه (Party)
	۰/۴۲۲	رفتن به سینما، تئاتر، کنسرت و ...
مدیریت بدن (بعد تغییر ۱)	۰/۷۳۲	بدن سازی
	۰/۶۷۳	ورزش تناسب اندام
	۰/۶۰۱	حضور در باشگاه ورزشی
سبک زندگی فرهنگی - اجتماعی	۰/۷۳۸	انجام فعالیت هنری (نقاشی، موسیقی، عکاسی ...)
	۰/۶۵۲	شرکت در همایش‌ها و نشست‌های اجتماعی، هنری و فرهنگی
	۰/۲۹۹	پیاده روی
	۰/۲۹۴	شرکت در کلاس‌های آموزشی (رایانه، زبان و ...)
مدیریت بدن (بعد تغییر ۲)	۰/۵۵۵	آرایش صورت
	۰/۵۳۷	انجام حرکات آیروبیک
	۰/۵۳۴	تمرین یوگا
	۰/۳۶۸	استفاده از وسایل وزن کم کردن
سبک زندگی فراغتی - سستی	۰/۵۷۲	مشاهده برنامه‌های تلویزیون (داخلی)
	۰/۵۳۹	استراحت کردن
	۰/۳۶۰	مطالعه روزنامه‌ها و مجلات داخلی
	۰/۳۳۳	گوش دادن به برنامه‌های رادیو داخلی
	۰/۳۳۰	حضور در کتابخانه‌ها

(خوداتکایی و تمایز) نامگذاری شدند. با توجه به آماره $K.M.O=0/830$ و سطح معناداری ($sig = 0/00$)، می‌توان گفت داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب هستند. در واقع، با سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد تمامی عناصر به کار رفته برای هر بعد، قدرت تبیین‌کنندگی مورد نظر را برای متغیر داشته‌اند.

همچنین، نتایج تحلیل عاملی مربوط به دو متغیر فردگرایی و جمع‌گرایی در جدول ۲ بیان شده است. بر پایه نتایج این تکنیک، هفت عامل به دست آمد که به ترتیب: فردگرایی عمودی ۱ (فاصله عاطفی)، جمع‌گرایی افقی ۱ (وحدت و یکپارچگی)، جمع‌گرایی عمودی (اینثار)، جمع‌گرایی افقی ۲ (وابستگی متقابل)، فردگرایی عمودی ۲ (جاه طلبی)، فردگرایی عمودی ۳ (رقابت) و فردگرایی افقی

جدول ۲- نتایج تحلیل عاملی فردگرایی و جمع‌گرایی در بین جوانان شهر شیراز

ابعاد فردگرایی و جمع‌گرایی	عامل‌های فردگرایی و جمع‌گرایی							اجزای فردگرایی و جمع‌گرایی
	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	عامل پنجم	عامل ششم	عامل هفتم	
فردگرایی عمودی (۱)	۰/۷۳۹	۰/۷۲۷	۰/۶۹۶	۰/۶۷۳	۰/۶۴۳	۰/۵۴۰	۰/۵۳۸	آخر هر دوستی، دشمنی است. پابندی به دوستی‌های طولانی ملالت‌آور است. هر کس باید به فکر خودش باشد، نه دیگران. تعهدات دوستان به یکدیگر پوچ و بی‌معناست. دوستی با دیگران آخرش رنج و ناراحتی است. در کارهایم به ارزیابی دیگران توجهی ندارم. من در بسیاری از جنبه‌ها از دیگران متمایز هستم. بدون دیگران هم می‌توانم به اهدافم برسم. برای من مهم است که کارهایم را بهتر از دیگران انجام دهم. این روزها وضع طوری شده است که هر کس باید به خودش فکر کند. دوستی‌های من با دیگران سطحی است و عمقی ندارد. آنچه برای من اهمیت دارد، رفاه و آسایش امروز من است.
فواصله عاطفی	۰/۵۳۲	۰/۴۸۱	۰/۴۱۴	۰/۴۰۶	۰/۳۸۶			در راه رسیدن به اهدافم، منافع دیگران را در نظر می‌گیرم. وقتی با دیگران همکاری می‌کنم، احساس خوبی دارم. من با تلاش برای رسیدن به اهداف گروهم، به اهداف خودم هم می‌رسم. دسترسی به اهدافم با کمک دیگران امکان‌پذیرتر است. من ترجیح می‌دهم که با گروه کار کنم تا به تنهایی.
جمع‌گرایی افقی (۱)	۰/۵۶۱	۰/۵۳۶	۰/۴۵۴	۰/۴۴۲	۰/۳۴۷			معمولاً منافع خودم را فدای دیگران می‌کنم. به خاطر منافع دیگران حاضریم از منافع خود بگذریم. اگر یکی از بستگانم مشکل مالی داشته باشد، به او کمک می‌کنم. از مخالفت با سایر اعضای گروهم اجتناب می‌کنم.
وحدت و یکپارچگی								زمانی خوشم که در بین دیگران باشم. برای من اوقاتی لذت بخش‌تر است که با
جمع‌گرایی عمودی ایثار								
جمع‌گرایی افقی (۲)				۰/۶۶۶	۰/۶۲۵			

دیگران می‌گذرانم.		وابستگی متقابل	
هر کس باید برای آینده‌اش، خودش تصمیم بگیرد.		فردگرایی	۰/۵۳۲
برای رسیدن به موفقیت، هر کاری می‌کنم.		عمودی (۲)	
برای رسیدن به موفقیت، به هر قیمتی تلاش می‌کنم.		جاه‌طلبی	۰/۵۱۴
هنگام تصمیم‌های مهم خودم را در نظر می‌گیرم.			۰/۳۱۳
بدون رقابت نمی‌توان جامعه خوبی داشت.			۰/۱۵۵
رقابت قانون طبیعت است.		فردگرایی	۰/۶۰۶
هویت شخصی‌ام برای من خیلی مهم است.		عمودی (۳)	۰/۵۰۰
استقلال هویت شخصی‌ام از دیگران برای من خیلی مهم است.		رقابت	
		فردگرایی افقی	۰/۴۰۹
		خودانگیزی و تمایز	۰/۲۶۵

وجود دارد. این بدان معناست که این افراد تحت تأثیر جهانی شدن فرهنگی، در سبک زندگی خود دست به انتخاب و بازاندیشی زده، مؤلفه‌های سبک زندگی مدرن، مانند: مدیریت بدن، مصرف رسانه‌های نوین، مصرف کالاهای جدید و ... را برگزیدند و در نتیجه این انتخاب‌ها و به تبع آن ایجاد تمایز و احساس تفاوت، فردگرایی نیز در آنان تقویت شده است. همچنانکه ملاحظه می‌شود، متغیرهای: سبک زندگی مذهبی و سبک زندگی فراغتی - سنتی، با متغیر جمع‌گرایی کل همبستگی مثبت دارند. با توجه به اینکه در این دو نوع سبک زندگی، مذهب و ارزش‌های اسلامی و سنتی، مانند: احترام به دیگران، کمک به هم‌نوع، ارتباطات گسترده با خویشاوندان و همسایگان، گذشت و فداکاری، صله رحم و ... دارای اهمیت هستند، گرایش‌های جمع‌گرایانه نیز در این افراد تقویت می‌شود. سبک زندگی فراغتی - مدرن نیز به علت ماهیت مدرن، همبستگی منفی با متغیر جمع‌گرایی دارد. دو نوع دیگر سبک زندگی؛ سبک زندگی فرهنگی - اجتماعی و سبک زندگی مدیریت بدن (بعد تغییر ۲) هیچ‌گونه همبستگی مثبت یا منفی با متغیرهای فردگرایی و جمع‌گرایی در سطح کلی نداشتند.

جدول ۳، نتایج همبستگی سبک‌های مختلف زندگی جوانان با متغیرهای فردگرایی و جمع‌گرایی در سطح کل را نشان می‌دهد. همچنانکه مشاهده می‌شود، سبک زندگی فراغتی - مدرن، سبک زندگی مذهبی، سبک زندگی مجازی، سبک زندگی دوستانه و سبک زندگی مدیریت بدن (بعد تغییر ۱) رابطه معنی‌داری با فردگرایی کل دارند. در این میان بین متغیر سبک زندگی مذهبی و فردگرایی، رابطه منفی برقرار است. این امر بیانگر آن است که افرادی که دارای سبک زندگی مذهبی هستند، کمتر تحت تأثیر جهانی شدن فرهنگی و سبک زندگی مدرن (که از مؤلفه‌های مهم آن فردگرایی است) بوده‌اند و بنابراین، گرایش‌های فردگرایانه نیز در آنان تقویت نشده است. بنابراین، این افراد در سبک زندگی مذهبی خود، به تبعیت از دستورات مذهبی، همچنان متعهد به جامعه و هنجارهای گروهی بوده، نسبت به سایر افراد جامعه و منافع آنان بی‌تفاوت نیستند، اما بین سایر سبک‌های زندگی (سبک زندگی فراغتی - مدرن، سبک مجازی، دوستانه و مدیریت بدن: بعد تغییر ۱) که انواعی از سبک زندگی مدرن هستند، با متغیر فردگرایی، همبستگی مثبت، در سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد

جدول ۳- نتایج همبستگی میان ابعاد سبک زندگی و گرایش فردگرایی و جمع‌گرایی جوانان

جمع‌گرایی کل		فردگرایی کل		متغیر وابسته
سطح معنی‌داری	پیرسون	سطح معنی‌داری	پیرسون	ابعاد سبک زندگی
۰/۰۰۰	-۰/۱۶۶**	۰/۰۰۰	۰/۷۶۳**	سبک زندگی فراغتی - مدرن
۰/۰۰۰	۰/۴۱۷**	۰/۰۰۰	-۰/۲۷۳**	سبک زندگی مذهبی
-	-	۰/۰۰۰	۰/۲۲۸**	سبک زندگی مجازی
-	-	۰/۰۰۰	۰/۱۹۳**	سبک زندگی دوستانه
-	-	۰/۰۰۰	۰/۱۸۲**	سبک زندگی معطوف به مدیریت بدن (بعد تغییر ۱)
۰/۰۱۷	۰/۱۰۹*	-	-	سبک زندگی فراغتی - سنتی

** p < 0/01, * p < 0/05

می‌کنند. مهمترین متغیر در این مدل سبک زندگی فراغتی - مدرن بوده است که رابطه‌ای مثبت و بسیار قوی با متغیر وابسته داشته است. در مدل شماره ۲ که مربوط به فردگرایی افقی است، دو متغیر سبک زندگی فراغتی - مدرن و سبک زندگی فرهنگی - اجتماعی وارد معادله شده‌اند. مدل فوق با دو متغیر مذکور، نزدیک به ۱۵/۸ درصد از تغییرات فردگرایی افقی را تبیین کرده‌اند.

جدول ۴ داده‌های دو مدل رگرسیونی مربوط به فردگرایی را بر حسب سبک‌های مختلف زندگی پاسخگویان نشان می‌دهد. همچنانکه مشاهده می‌شود، در مدل اول که بر اساس فردگرایی عمودی کلی بوده است، دو متغیر وارد معادله شده‌اند. در این مدل متغیرهای سبک زندگی فراغتی - مدرن و سبک زندگی مجازی ۵۸ درصد تغییرات متغیر وابسته (فردگرایی عمودی) را تبیین

جدول ۴- تحلیل رگرسیونی فردگرایی

مدل (۲): فردگرایی افقی		مدل (۱): فردگرایی عمودی (کل)		
Beta	B	Beta	B	
۰/۳۷۲	۰/۰۴۲	۰/۷۸۹	۰/۵۷۱	سبک زندگی فراغتی - مدرن
-	-	۰/۰۷۹	۰/۱۴۳	سبک زندگی مجازی
۰/۱۶۸	۰/۱۳۷	-	-	سبک زندگی فرهنگی - اجتماعی
-	-	۰/۳۹۷	-	R
-	-	۰/۱۵۸	-	R ^۲
-	-	۴۳/۱۰۳	-	مقدار F مدل
-	-	۰/۰۰۰	-	سطح معنی‌داری F

پاسخگویان نشان می‌دهد. همچنانکه مشاهده می‌شود، در مدل اول که بر اساس جمع‌گرایی عمودی بوده است، دو

جدول ۵ نیز داده‌های دو مدل رگرسیونی مربوط به جمع‌گرایی را بر حسب سبک‌های مختلف زندگی

۲ که مربوط به جمع‌گرایی افقی است، دو متغیر: سبک زندگی معطوف به مدیریت بدن (بُعد تغییر ۲) و سبک زندگی فراغتی - سنتی وارد معادله شده‌اند. مدل فوق با دو متغیر مذکور، نزدیک به ۲/۵ درصد از تغییرات جمع‌گرایی افقی را تبیین کرده‌اند.

متغیر وارد معادله شده‌اند. در این مدل متغیرهای سبک زندگی مذهبی و سبک زندگی مجازی ۴۴/۳ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. مهمترین متغیر در این مدل سبک زندگی مذهبی بوده است که رابطه‌ای مثبت و قوی با متغیر وابسته داشته است. در مدل شماره

جدول ۵- تحلیل رگرسیونی جمع‌گرایی

مدل (۴): جمع‌گرایی افقی (کل)					مدل (۳): جمع‌گرایی عمودی					متغیرهای مستقل وارد شده
سطح	مقدار F	Beta	R ^۲	R	سطح	مقدار F	Beta	R ^۲	R	
معنی‌داری F	مدل				معنی‌داری F	مدل				
-	-	-	-	-	۰/۰۰۰	۳۳۹/۲۵	۰/۶۴۷	۰/۴۲۹	۰/۶۵۵	سبک زندگی مذهبی
-	-	-	-	-	۰/۰۰۰	۱۷۹/۲۷۷	-۰/۱۱۹	۰/۴۴۳	۰/۶۶۶	سبک زندگی مجازی
۰/۰۰۷	۷/۳۱۰	-۰/۱۱۹	۰/۰۱۶	۰/۱۲۷	-	-	-	-	-	سبک زندگی معطوف به مدیریت بدن (بُعد تغییر ۲)
۰/۰۰۴	۵/۶۱۶	۰/۰۹۲	۰/۰۲۵	۰/۱۵۷	-	-	-	-	-	سبک زندگی فراغتی - سنتی

می‌کنند (هیرست و تامپسون، ۲۰۰۳: ۱۶).

از آنجا که در دوران جهانی شدن به واسطه نقش برجسته رسانه‌های جمعی و ارتباطات گسترده انسانی، سبک‌های زندگی افراد هر چه بیشتر انتخابی شده، لذا نقش اجتماع محلی در ساختن آنها کم‌رنگ‌تر می‌شود. نتیجه این وضعیت، بروز تضاد و آسیب فرهنگی در ایران و از جمله شهر شیراز است که آن را به یک معضل مهم اجتماعی و فرهنگی تبدیل کرده است.

در نیمه دوم قرن بیستم، فردگرایی افراطی و بی‌توجهی به تحقق منافع فردی از طریق منافع جمعی، به عنوان یک شاخص منفی مورد توجه قرار گرفت، در حالی که بیشتر تحقیقات قبلی در ایران (جوادی یگانه و هاشمی، ۱۳۸۷: ۱۳۱؛ حمیدیه، ۱۳۸۵: ۲۰۳؛ سریع‌القلم، ۱۳۸۴: ۲۹؛ بادامچی، ۱۳۸۴: ۱۰۵؛ توحیدفام، ۱۳۹۰: ۳۶؛ رحمت‌پور، ۱۳۷۰

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، مطالعه میزان گرایش فردگرایانه و جمع‌گرایانه در میان جوانان شهر شیراز مد نظر بوده است که در واقع بخشی از فرهنگ جامعه بزرگتر (ایران) است. فردگرایی جوانان شهر شیراز را باید در چارچوب بازتولید ارزش‌ها، سبک‌های زندگی، اخلاقیات و در کل، بازآفرینی هویت‌های شخصی آنها بررسی کرد که همگی جنبه اجتماعی و فرهنگی دارند. یکی از تأثیرات جهانی شدن، تغییر تدریجی در سبک زندگی ساکنان شهر شیراز است که تحت تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی نوین رخ می‌دهد (خواجه نوری، ۱۳۸۵: ۱۲؛ خواجه نوری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۷؛ خواجه نوری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۱). این فناوری‌ها اشکال متفاوتی از ارتباطات را میان کنشگران انسانی، بین انسان‌ها و نظام‌های الکترونیکی تسهیل

۱۹۷: او وثوقی و میرزائی، ۱۳۸۷: ۱۱۷) به تحلیل نظری و انجام مباحثات صرفاً تئوریک پیرامون فردگرایی و جمع‌گرایی در ایران پرداخته‌اند و در اغلب این تحقیقات این دو متغیر به عنوان متغیر وابسته کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. این تحقیق با هدف مطالعه تجربی فردگرایی و جمع‌گرایی به عنوان متغیر وابسته و چگونگی ارتباط آن با جهانی شدن فرهنگی و سبک زندگی (به عنوان یکی از جنبه‌های مهم تحقق جهانی شدن فرهنگی) صورت گرفته است.

این تحقیق با استفاده از چارچوبی ترکیبی مستخرج از آرای گیدنز در زمینه جهانی شدن و سبک زندگی و نظریه تریاندیس در زمینه فردگرایی و جمع‌گرایی سعی در تبیین فردگرایی - جمع‌گرایی جوانان شهر شیراز بوده است. با استفاده از چارچوب نظری هشت فرضیه ارائه شد. روش اجرای پژوهش، پیمایش و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه بود. نمونه مورد مطالعه با استفاده از شیوه نمونه‌گیری تصادفی سهمیه‌ای چند مرحله‌ای برابر ۵۳۳ نفر بوده است.

بر اساس نتایج تکنیک تحلیل عاملی، در این تحقیق هشت نوع سبک زندگی در بین جوانان شهر شیراز شناسایی گردید که به ترتیب شامل: سبک زندگی فراغتی - مدرن، سبک زندگی مذهبی، سبک زندگی مجازی، سبک زندگی معطوف به مدیریت بدن (بعد تغییر ۱)، سبک زندگی دوستانه، سبک زندگی معطوف به مدیریت بدن (بعد تغییر ۲)، سبک زندگی فرهنگی - اجتماعی و سبک زندگی فراغتی - سنتی بودند. با توجه به نتایج تحلیل عاملی، بیشتر جوانان شهر شیراز دارای انواع مختلفی از سبک‌های زندگی با گرایش مدرن (مانند: سبک زندگی فراغتی - مدرن، سبک زندگی مجازی، سبک زندگی معطوف به مدیریت بدن (بعد تغییر ۱ و ۲) و

سبک زندگی دوستانه) بودند و این امر بیانگر این است که این افراد به مقدار زیادی تحت تأثیر جهانی شدن فرهنگی بوده‌اند. همچنین، بر پایه نتایج تکنیک تحلیل عاملی گویه‌های فردگرایی و جمع‌گرایی نیز، هفت عامل به دست آمد که به ترتیب: فردگرایی عمودی ۱: فاصله عاطفی، جمع‌گرایی افقی ۱: وحدت و یکپارچگی، جمع‌گرایی عمودی: ایثار، جمع‌گرایی افقی ۲: وابستگی متقابل، فردگرایی عمودی ۲: جاه‌طلبی، فردگرایی عمودی ۳: رقابت و نهایتاً فردگرایی افقی: خوداتکایی و تمایز نامگذاری شدند. بنابراین می‌توان گفت، علاوه بر آن‌که جوانان شیرازی دارای سه گرایش جمع‌گرایانه (ایثار، وحدت و وابستگی متقابل) بودند، دارای چهار گرایش فردگرایانه: فاصله عاطفی، خوداتکایی، رقابت و جاه‌طلبی نیز بودند. با توجه به این نتایج، در حالی که در بین جوانان شیرازی فقط یک بُعد جمع‌گرایی عمودی وجود دارد، سه بعد فردگرایی عمودی شامل: فاصله عاطفی، رقابت و جاه‌طلبی شناسایی شده است که بیانگر شدت بیشتر گرایش فردگرایانه در بین جوانان، نسبت به گرایش جمع‌گرایانه آنان است.

بر اساس نتایج آزمون همبستگی صورت گرفته، بین متغیر سبک زندگی مذهبی با فردگرایی همبستگی معنادار و منفی وجود دارد. در خصوص علت این رابطه می‌توان گفت که بسیاری از ارزش‌های مذهبی، انسان‌ها را به حضور در اجتماع، ارتباط گسترده با خویشاوندان و همسایگان، توجه و کمک در حل مشکلات دیگران، از خودگذشتگی و ایثار دعوت می‌نماید. به علاوه، دین اسلام یک دین جمع‌گراست که عمده مناسک مذهبی آن همچون نماز، اگر چه به طور فردی نیز انجام می‌شود، اما انجام آنها به صورت جمعی تأکید و تشویق شده است. بین متغیرهای سبک زندگی فراغتی - مدرن، سبک

عنوان ابزاری نگریسته می‌شود که جوانان و سایر افراد جامعه به وسیله آن، کسب هویت کرده، به فردیت و هویت متمایز از دیگران دست می‌یابند. بنابراین، جوانان شهر شیراز با پیگیری نمادها و نشانه‌های مُد در زندگی، در پی آن هستند که فردگرایی را گسترش داده، هویتی متفاوت و منحصر به فرد برای خود ایجاد نمایند.

با توجه به نتایج، ارتباط بین سبک زندگی مجازی و فردگرایی نیز تأیید گردید. در این زمینه می‌توان گفت، دوران مدرن با فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی خود، مانند: موبایل، اینترنت، ماهواره، بازی‌های رایانه‌ای و ... اوقات فراغت جوانان را به صورت کاملاً فردی و شخصی پر می‌کنند و عامل مهمی در ایجاد خلوت مستقل فردی در جوانان و همچنین سایر افراد جامعه هستند. در نتیجه این امر، هر چه جوانان از فناوری‌های نوین اطلاعاتی بیشتر استفاده کنند، از حوزه مستقل‌تر و میزان خلوت شخصی بیشتری در زندگی خود برخوردار می‌شوند و بر میزان فردگرایی آنان نیز افزوده خواهد شد. متغیر سبک زندگی دوستانه نیز چون دارای جهت‌گیری مدرن و نوگرایانه است، با متغیر وابسته دارای همبستگی مثبت است.

همچنین، روابط بین متغیرهای مستقل با فردگرایی و جمع‌گرایی و ابعاد افقی و عمودی آنها، با استفاده از تکنیک آماری رگرسیون چند متغیری بررسی شد و نتایج به دست آمده نشان داد که از میان متغیرهای موجود در معادله به ترتیب دو متغیر: سبک زندگی فراغتی - مدرن و سبک زندگی مجازی برای متغیر وابسته فردگرایی عمودی و دو متغیر: سبک زندگی فراغتی - مدرن و سبک زندگی فرهنگی - اجتماعی برای متغیر فردگرایی افقی وارد معادله شدند و به ترتیب ۵۸ درصد و ۱۵/۸ درصد از تغییرات این دو متغیر را تبیین کردند. برای

زندگی مجازی و سبک زندگی دوستانه و سبک زندگی معطوف به مدیریت بدن (بعد تغییر ۱) با متغیر فردگرایی کل، همبستگی معنادار و مثبت وجود دارد. همچنین، متغیرهای سبک زندگی فراغتی - مدرن، همبستگی منفی و سبک زندگی مذهبی و سبک زندگی فراغتی - سنتی نیز همبستگی مثبت با متغیر جمع‌گرایی کل دارند. این همبستگی‌ها تأییدی بر مبانی و چارچوب نظری تحقیق مبنی بر ماهیت مدرن فردگرایی است. به بیان دیگر، از آنجا که جامعه متجدد امروزی با خصلت کثرت انتخاب شناخته شده است، این تنوع و کثرت انتخاب‌ها، باعث می‌شود که سبک‌های زندگی گوناگونی در سایه عاملیت افراد، با ایجاد شیوه‌های متفاوت و قالب‌های رفتاری متنوع در حوزه‌های: مدیریت بدن، نحوه گذران اوقات فراغت، الگوی مشارکت و ... سبک زندگی ویژه (در قالب‌هایی چون: سبک زندگی معطوف به مدیریت بدن، سبک زندگی فراغتی - مدرن، سبک زندگی دوستانه، سبک زندگی مجازی و ...) پدیدار شوند. این سبک‌های زندگی متفاوت باعث می‌شود تا افراد رفتارهای ویژه آن سبک زندگی را از خود به آسانی بروز دهند و همزمان رفتاری متمایز از رفتار کنشگرانی که پیرو سبک زندگی دیگری هستند، داشته باشند. در نتیجه ایجاد این تفاوت‌ها در سبک زندگی، از همگونی و تشابه در بین افراد کاسته شده، احساس استقلال، تشخیص پایگاهی، فردیت و در نهایت گرایش‌های فردگرایانه در افراد شکل می‌گیرد.

با توجه به نتایج تحقیق، در خصوص همبستگی مثبت بین دو متغیر سبک زندگی معطوف به مدیریت بدن (بعد تغییر ۱ و ۲) با متغیر فردگرایی می‌توان با توجه به چارچوب نظری گیدنز گفت: در دوران مدرن، جوانان با هدف کشف «خود» و «جستجوی هویت فردی» اقدام به مدیریت بدن می‌کنند (مختاری، ۱۳۸۸: ۲۴). امروزه بدن به

متغیر وابسته جمع‌گرایی عمودی نیز به ترتیب دو متغیر: سبک زندگی مذهبی و سبک زندگی مجازی به میزان ۴۴/۳ درصد از تغییرات و دو متغیر: سبک زندگی معطوف به مدیریت بدن (بعد تغییر ۲) و سبک زندگی فراغتی - سنتی، ۲/۵ درصد از تغییرات جمع‌گرایی افقی را تبیین کردند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، متغیر سبک زندگی مذهبی و سبک زندگی فراغتی - سنتی در دو مدل رگرسیونی جمع‌گرایی تأثیر مثبت داشته و متغیر سبک زندگی فراغتی - مدرن نیز در هر دو مدل رگرسیونی فردگرایی تأثیری مثبت و هم‌افزا داشته است. با استفاده از چارچوب نظری مستخرج از آرای گیدنز در این خصوص می‌توان گفت که فرایند جهانی‌شدن و مدرنیته که عمدتاً تأکید بر سکولاریسم دارد (خواجه نوری و ریاحی، ۱۳۹۲: ۲۱)، فردگرایی و توجه به منافع فردی را در قالب سبک‌های جدید زندگی، مانند: سبک زندگی فراغتی - مدرن تشویق می‌کند. اهمیت یافتن سبک‌های زندگی جدید و به تبع آن، فردگرایی و زوال جمع‌گرایی را در دوره مدرنیته، از زاویه انقباض روزافزون قطعیت‌های مذهبی در این سبک‌های زندگی نیز می‌توان بررسی کرد (همان: ۲۱).

فرآیند جهانی‌شدن از طریق رسانه‌های خود اطلاعات مختلفی را در اختیار افراد قرار می‌دهد که برخی از آنها سکولار، غیردینی و مانند آنها هستند. نظر به اینکه جوانان همیشه در حال فرایند هویت‌سازی و بازتعریف خود هستند از بین محتوای رسانه‌ها دست به انتخاب می‌زنند. این انتخاب‌ها سبک‌های زندگی آن‌ا را می‌سازند و در نهایت، این سبک‌ها در فرآیند بازتعریف و بازتولید ارزش‌های فردگرایی و استقلال مشارکت می‌کنند. به عبارت دیگر، امروزه با سکولاریزه شدن سبک زندگی مواجه هستیم (همان: ۲۱). از نظر گیدنز تضاد با سنت

ذاتی مفهوم مدرنیته است. در فرهنگ‌های سنتی و در رویکرد اسلامی، از طریق تأمین حقوق جمعی، حقوق فردی مورد توجه قرار گرفته است؛ یعنی جمع‌گرایی از اهمیت بیشتری نسبت به فردگرایی برخوردار است (رضایی‌زاده، ۱۳۸۶: ۵۸). بنابراین، سبک زندگی فراغتی - سنتی و سبک زندگی مذهبی که با محوریت این ارزش‌ها شکل گرفته‌اند، دارای جهت‌گیری جمع‌گرایانه هستند، اما در عصر تجدد تنها چیزی که بر اساس اصول عقلانی ساخته شده باشد و یا توجیه عقلانی داشته باشد، تداوم دارد. رفاه فردگرایانه، سودجویی، طمع و آسایش خودخواهانه همگی نمادهایی هستند که برای مخاطبان جهانی به صورتی کاملاً عقلانی و موجه (شهابی، ۱۳۸۵: ۲) در قالب سبک‌های زندگی مدرن (از جمله سبک زندگی فراغتی - مدرن) تبلیغ می‌شوند. بنابراین، در این سبک‌های زندگی رقابت و استقلال از ارزش‌های زیادی برخوردار است و افراد باید منافع خود را در اولویت قرار دهند. بنابراین، در این دوران دین و باورهای حاصل از آن نیز باید در پرتو دانشی که اعتبارش را از سنت یا دین نگرفته باشد، توجیه گردد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۶).

شهر شیراز در دهه‌های اخیر به شدت تحت تأثیر فرایند جهانی‌شدن قرار گرفته و بسیاری از ابعاد زندگی ساکنان آن بخصوص در حوزه اقتصاد، فرهنگ، استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و دیگر عرصه‌های حیات اجتماعی متأثر از این فرایند دستخوش دگرگونی‌های قاطعی شده است (خواجه نوری، ۱۳۸۵: ۱۲). نفوذ فناوری‌هایی، همچون ماهواره، اینترنت و امکانات آنها موجب شده تا بسیاری از جوانان با الگوهای متنوعی از زندگی روبه‌رو گردند و از میان آنها با توجه به امکانات مختلفی که در اختیار دارند، دست به انتخاب بزنند. وجود این الگوها و سبک‌های متفاوت زندگی که

منابع

- عمدتاً بر مبنای فلسفه سکولاریسم، لیبرالیسم و به طور کلی وارداتی هستند، به شکل دادن حوزه‌های فردی و عمومی هر فردی منجر می‌شود (خواجه نوری و مقدس، ۱۳۸۸: ۱). تنوع زیاد سبک‌های زندگی موجب انسجام درون گروهی و جدا شدن گروه‌های اجتماعی از یکدیگر و در نتیجه تقویت فردگرایی می‌گردد. از این روست که با توجه به مطالعات پیشین شاهد آن هستیم که سبک زندگی نوین اوقات فراغت، جوانان را به طرف فردی شدن و منزوی شدن سوق داده است (نصر اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۱۴؛ غفاری، ۱۳۸۷: ۷۷؛ مقصودی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۷۳) و این امر خود نشان دهنده رفتار فردگرایانه جوانان می‌باشد.
- بسیاری از سبک‌های زندگی که با استفاده از تحلیل عاملی در این تحقیق نمود یافته‌اند (همچون سبک مجازی، سبک زندگی مدرن-فراغتی، مدیریت بدن (بعد تغییر ۱)، ... بر فردگرایی، خانگی بودن مبتنی بوده، و جهت‌شان بر فعالیت‌های فردی است. به بیان دیگر، جوانانی که مخاطب رسانه‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی نوین هستند، در عناصر سنتی زندگی خود بازنمایشی نموده، با انتخاب عناصر مدرن و جدید سبک زندگی، از قبیل: مصرف محصولات فرهنگی جدید، گذراندن اوقات فراغت به سبک مدرن، مدیریت بدن و توجه به بُعد ظاهری بدن و سایر موارد، به تدریج از ارزش‌های سنتی چون جمع‌گرایی فاصله گرفته‌اند و فردگرایی در آنان تقویت شده است. در حقیقت، جوانان با استفاده از انتخاب سبک‌های زندگی جدید و متفاوت؛ دیگران و اعضای خانواده، احساس تمایز و تشخیص در آنان شکل گرفته و این احساس منشأ فردگرایی در آنان گردیده است.
- آزاد ارمکی، تقی و حسین چاوشیان. (۱۳۸۱). «بدن به مثابه رسانه هویت»، *جامعه‌شناسی ایران*، ش ۴، ص ۵۷-۷۵.
- اجتهادی، مصطفی. (۱۳۸۶). «سرمایه اجتماعی»، *پژوهشنامه علوم انسانی*، ش ۵۳، ص ۱-۱۲.
- احمدی، ح. (۱۳۸۷). *روان‌شناسی اجتماعی*، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- اعظم زاده، م. و ع. توکلی. (۱۳۸۶). «فردگرایی، جمع‌گرایی و دینداری»، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش ۳ (۹)، ص ۱۰۱-۱۲۵.
- بادامچی، میثم. (۱۳۸۶). «فردگرایی و کل‌گرایی در فلسفه علوم اجتماعی»، *فصلنامه حوزه و دانشگاه*، *روش‌شناسی در علوم انسانی*، سال ۱۳، ش ۵۲، ص ۱۰۵-۱۲۷.
- بهروان، ح. و ا. علیزاده. (۱۳۸۶). «بررسی فردگرایی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ش ۱۰، ص ۱-۲۶.
- پاینده، م. و ف. جعفرزاده پور. (۱۳۸۹). «بررسی رابطه میزان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان دهشت»، *فصلنامه پژوهش جوانان*، فرهنگ و جامعه، ش ۵، ص ۱۰۱-۱۲۲.
- تاملینسون، ج. (۱۳۸۱). *جهانی‌شدن و فرهنگ*، ترجمه: محسن حکیمی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
- ترنر، ب. (۱۳۸۰). *شرق‌شناسی پست مدرنیسم و جهانی‌شدن*، ترجمه: غلامرضا کیانی، تهران: فرهنگ گفتمان: ریاست جمهوری، مرکز بررسی‌های

استراتژیک.

تریاندریس، ه. س. (۱۳۷۸). فرهنگ و رفتار اجتماعی،

ترجمه: نصرت فتی، تهران: نشر رسانش.

توحیدفام، م. (۱۳۹۰). «بازاندیشی انتقادی نظریه فردگرایی

لیبرال»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق

و علوم سیاسی، دوره ۴۱ (۱)، ص ۳۶ - ۵۸.

جوادی یگانه، م. ر. و ض. هاشمی. (۱۳۸۷). «نگاهی

جدید به مناقشه فردگرایی و جمع‌گرایی در

جامعه‌شناسی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۳۳، ص

۱۳۱-۱۶۲.

حمیدیه، ب. (۱۳۸۵). «بازشناسی فردگرایی و پیامدهای

آن»، راهبرد یاس، سال دوم، ش ۶، ص ۲۰۳ -

۲۴۲.

خواجه نوری، ب. و ز. ریاحی. (۱۳۹۲). «جهانی‌شدن،

دنیابگرایی و زنان، مورد مطالعه شهرهای تهران،

شیراز و استهبان»، مجله جهانی رسانه، ش ۱۵،

ص ۲۱-۴۷.

خواجه نوری، ب.، هاشمی، س. و ع. روحانی. (۱۳۹۱).

«گرایش به حجاب و سبک‌های متفاوت زندگی.

مطالعه موردی زنان شهر شیراز»، فصلنامه

جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۳، ش ۴۷ (۳)،

۱۴۱-۱۶۶.

خواجه نوری، ب.، هاشمی، س. و ع. روحانی. (۱۳۸۹).

«سبک زندگی و هویت ملی (مطالعه موردی:

دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر شیراز»، فصلنامه

مطالعات ملی، سال ۱۱ (۴)، ص ۱۲۷-۱۵۳.

خواجه نوری، ب. و ع. ا. مقدس. (۱۳۸۸). «رابطه بین

تصور از بدن و فرآیند جهانی‌شدن، مطالعه

موردی: زنان شهرهای تهران»، جامعه‌شناسی

کاربردی دانشگاه اصفهان، ش ۳۳، ص ۱-۲۴.

خواجه نوری، ب. و ع. ا. مقدس. (۱۳۸۷). «بررسی

عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان گذران

اوقات فراغت، مورد مطالعه: دانش‌آموزان

دبیرستانی شهرستان آباد»، پژوهشنامه علوم

انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، ویژه‌نامه

«پژوهش‌های اجتماعی»، ش ۲، ص ۱۳۳-۱۵۶.

خواجه نوری، ب. (۱۳۸۵). بررسی رابطه مؤلفه‌های

فرایند جهانی‌شدن و مشارکت اجتماعی زنان

مطالعه موردی: تهران، شیراز و استهبان، رساله

دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.

رابرتسون، ر. (۱۳۸۵). جهانی‌شدن: تئوری‌های اجتماعی

و فرهنگ جهانی، ترجمه: کمال پولادی، تهران:

نشر ثالث.

رابرتسون، ر. (۱۳۸۲). جهانی‌شدن، ترجمه: کمال

پولادی، تهران: نشر ثالث.

رحمت پور، ر. (۱۳۷۰). «فردگرایی»، نشریه علوم انسانی،

فرهنگ، ش ۹، ص ۱۹۷-۲۲۶.

رضایی، ا.؛ اینالو، م. و م. فکری. (۱۳۸۹). «مدیریت بدن و

ارتباط آن با عوامل اجتماعی»، فصلنامه مطالعات

راهبردی زنان، سال ۱۲، ش ۴۷، ص ۱۴۱ -

۱۷۰.

رضایی زاده، م. (۱۳۸۶). «مفروضات بنیادین فرهنگ»،

ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال دوم، ش ۱۲، ص

۵۳-۷۲.

سحابی، ج. (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر بعد فرهنگی جهانی

شدن بر هویت قومی (مطالعه موردی جوانان ۱۵

تا ۲۹ ساله شهرستان بوکان»، مطالعات ملی،

ش ۱۱، ص ۱-۴۱.

سریع القلم، م. (۱۳۸۴). «موانع فرهنگی تجدد در

کشورهای اسلامی»، فصلنامه مطالعات ملی،

ش ۲۱ (۱)، ص ۲۹-۴۶.

شهابی، م. (۱۳۸۵). «جهانی‌شدن مصرف و سبک‌های

- زندگی»، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، ش ۳۱، ص ۲-۳.
- غفاری، غ. (۱۳۸۷). «پیوند و تعامل اوقات فراغت و سرمایه اجتماعی در میان جوانان ایرانی»، *مطالعات جوانان*، ش ۱۳، ص ۷۷-۹۴.
- فاضلی، م. (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- کلانتری، ع. و ح. حسینی. (۱۳۸۷). «رسانه‌های نوین و زندگی روزمره، تأثیر تلفن همراه بر هویت و سبک زندگی جوانان»، *رسانه*، سال ۱۱، ش ۴، ص ۱۱۹-۱۳۵.
- کوئن، ب. (۱۳۸۶). *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه: غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
- کوزر، ل. (۱۳۷۹). *بزرگان جامعه‌شناسی کلاسیک*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- کیویستو، پ. (۱۳۸۰). *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- گل محمدی، ا. (۱۳۸۳). *جهانی شدن فرهنگ، هویت*، تهران: نشر نی.
- گیبیز و ج. بوریمر. (۱۳۸۴). *سیاست پست مدرنیته*، ترجمه: منصور انصاری، تهران: گام نو.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آ. (۱۳۷۹). *جهان رها شده*، ترجمه: علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، تهران: انتشارات علم و ادب.
- گیدنز، آ. (۱۳۷۸). *تجدد، تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- تهران: نشر نی.
- گیدنز، آن. (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آ. و ک. بردسال. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- لطف‌آبادی، ح. و و. نوروزی. (۱۳۸۳). «بررسی چگونگی نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران به جهانی شدن و تأثیر آن بر ارزش‌ها و هویت دینی و ملی آنان»، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ش ۹، ص ۸۸-۱۱۹.
- محسنی تبریزی، ع. و م. صدافتی فرد. (۱۳۹۰). «پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران. مورد پژوهش: شهروندان تهرانی»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۳، ش ۳، ص ۱-۲۲.
- مختاری، م. (۱۳۸۸). *نظریه زمینه‌ای تصور بدنی زنان: چرا زنان اقدام به جراحی زیبایی می‌کنند؟ مورد مطالعه: زنان تحت عمل جراحی زیبایی در شهر شیراز، دانشگاه شیراز، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی*، پایان‌نامه دکتری در رشته جامعه‌شناسی.
- معیدفر، س. و ع. حقیقی. (۱۳۸۶). «عوامل اجتماعی گرایش به مد در بین جوانان ۲۹ — ۱۵ ساله تهرانی»، *فصلنامه مطالعات جوانان*، ش ۱۴ و ۱۵، ص ۱-۱۴.
- مقصودی، س. ز. عبدالحسینی و ز. سلیمانی. (۱۳۹۲). «بررسی نحوه‌گذران اوقات فراغت و روند تغییرات آن در ایران»، *شیراز: مجموعه مقالات کنگره ملی ملی اوقات فراغت و سبک زندگی*، صص ۶۷۳-۶۹۶.
- نصر اصفهانی، ع.، نظری، ح. و ع. احمدی. (۱۳۹۲).

- Descriptive Concept of Secularization", *Sociology of Religion*, 60(3):229-248.
- Elliott, A. & C. Lemert (2006) *The new individualis*, London: Routledge.
- Herriot, P. W. Scott-Jackson (2002) "Globalization, Social Identities and employment". *British Journal of Management*, 13: 249-257.
- Hirst, P. & G. Thompson (2003) *The future of globalization, in the handbook of globalization*, Jonathan Micie (Ed.), Cheltenham: Edward Elgar.
- Khajenoori, B. (2010) "The Relationship between ICT's and Adolescents' Delinquencies Case Study: Students in Abadeh County", *Journal of Applied Sociology of Isfahan*, 39(3): 113- 134.
- Laurent, A. (1994) *Individualisme Méthodologique*, Presse Universaire de France.
- Palante, G. (1908) *La Sensibilité Individualiste*, *Revue du Mercure de France*, www.librairial.org/wiki/Georges_Palante:La_Sensibilité_individualiste.
- Sivadas, E. Bruvold, N. Nelson T. & R. Michelle (2008) "A Reduced Version of the Horisental and Vertical Individualism and Collectivism Scale: A Four-Country Assessment", *Journal of Business Research*, 61: 201-210.
- Triandis, H.C. (2001) "Individualism-Collectivism and Personality", *Journal of Personality*, 69(6): 907-924.
- Triandis, H.C. Xiao P. C. & D.K.-S. Chan (1998) "Scenarios for the Measurement of Collectivism and Individualism", *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 29(2):275-289.
- Triandis, H.C. & Hichele, J. Gelfand (1998) "Convering Measurement of Horizontal and Vertical Individualism and Collectivism", *Journal of Personality and Social psychology*, 74(1): 118 -128.
- Triandis, Harry C. McCusker, C. Hui, C. H. (1995) *Individualism and Collectivism*, Boulder, CO: Westview Press.
- Triandis, H.C. & Other (1990) "Multimethod Probes of Individualism and Collectivism", *Journal of personality and social psychology*, 59:1006-1020.
- Waters, M. (2001) *Globalization*, London: Routledge.
- «بررسی ساختار اوقات فراغت جوانان شهر اصفهان با تأکید بر جایگاه تربیت بدنی و ورزش»، شیراز: مجموعه مقالات کنگره ملی اوقات فراغت و سبک زندگی، صص. ۷۱۴-۷۲۹.
- نوح، ع؛ تقوی نسب؛ م. و ح. قائمی فر. (۱۳۸۶). «تأثیر بُعد فرهنگی جهانی شدن بر هویت قومی، مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه‌های اهواز»، فصلنامه توسعه انسانی، ش ۱ (۴)، ص ۸-۲۴.
- نوبخت، ا. (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین دینداری و جهانی شدن در میان کارکنان منطقه ویژه انرژی پارس، دانشگاه شیراز، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته جامعه‌شناسی.
- وثوقی، م. و ح. میرزایی. (۱۳۸۷). «فردگرایی: تأملی در ابعاد و شاخص‌ها»، نامه علوم اجتماعی، ش ۳۴، صص ۱۱۷-۱۴۲.
- هلد، د. و آ. مک گرو. (۱۳۸۸). نظریه‌های جهانی شدن، برگردان: مسعود کرباسیان، تهران: نشر چشمه.
- Abela, A.M. (2005-6) "Shaping a National Identity: Malta in the European Union", *International Journal of Sociology*, Vol. 35, No. 4, pp. 10-27.
- Agnew, R. & Petersen, D. (1987) "Leisure and Delinquency", *Social Problems*, 36(4): 332-350.
- Bauman, Z. (2007) *Liquid Times*, Polity Press.
- Berry, J.W. (2008) "Globalisation and Acculturation", *International Journal of Intercultural Relations*, 32:328-336.
- Côté, J.E. (2006) "Acculturation and Identity: The Role of Individualization Theory", *Human Development*, 49: 31-35.
- Crossley, N. (2005) "Mapping Reflexive Body Technique: on Body Modification and Maintenance", *Body & Society*, 11(1): 1-35.
- Dobbelaere, K. (1999) "Towards an Integrated Perspective of the Processes Related to the